



شماره ثبت: ۲۷۴۷

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	کذب
۲.....	خلف وعده
۲.....	مرور گذشته:
۲.....	ادله انطباق آیه با بحث خلف وعد
۳.....	جمع بندی
۴.....	گروه پنجم آیات:
۴.....	منظور آیات گروه پنجم، ارشاد به حکم عقل
۴.....	اقسام وعد



شماره ثبت: ۲۷۴۷

کذب

خلف وعده

مرور گذشته:

بحث کذب در خلف وعده بود. به این مناسبت ما بحث وعده را مطرح کردیم. ادله‌ای از قرآن را آوردیم. آیه چهارم را مورد بررسی قرار دادیم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۱

نکاتی در این آیه را مطرح کردیم. روایت سوم باب ۱۰۹ از ابواب احکام عشرة را در ذیل این آیه آوردیم تا بدانیم که موضوع آیه در مورد خلف وعده است.

«وَعَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخْلَفِ اللَّهِ بَدَأَ وَلِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۲

وعده مؤمن به برادرش، یک نذر است. باید عمل بشود اما کفاره ندارد. امام (ع) قول «ما لا تفعل» را به خلف وعده تطبیق داده است.

ادله انطباق آیه با بحث خلف وعده

در ادامه گفتیم بدون در نظر گرفتن روایت، آیا آیه به بحث وعده انطباق دارد؟

^۱سوره صف، آیات ۲ و ۳.

^۲وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۵



شماره ثبت: ۲۷۴۷

یک احتمال این بود که تطبیق تعبدی است. زیرا ظاهر آیه جایی است که انسانی با دیگری در تکلیفی مشترک اند، شخصی به شخص دیگر امر می‌کند ولی خودش انجام نمی‌دهد.

احتمال دوم این است که افراد در شمول اطلاق مختلف‌اند، انصرافی در مقام مخاطب نیامده است. در جایی که تبادر معنا از لفظ به قدری قوی شده باشد که کلمه در معنایی ظهور پیدا بکند و منصرف از معنای دیگر باشد. یا اینکه علی‌رغم اینکه شخصی در خفا باشد و در درجه وضوح نیست، ولی هنوز به رتبه‌ای نرسیده است که لفظ ظهور در آن پیدا بکند و از فرد خفی منصرف باشد.

احتمال دوم نیز همین است، ظهور لفظ آن را می‌گیرد. بر خلاف آیه «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^۱ تصویری نیست که بر مشترکی وجود دارد اما شخص ترک می‌کند و به دیگری امر می‌کند. اما در این آیه می‌گوید که چیزی را که قول می‌دهید انجام دهید.

با تمام تفاسیر بالا، احتمال دوم اظهر است. خود آیه دلالت بر خلف وعده می‌کند.

احتمال سوم، آیه خصوص مطلق وعد را می‌گوید. این احتمال درست نیست، آیه مطلق است، حتی اگر از قراین استفاده بشود که مورد آن در مورد خلف است.

جمع‌بندی

سه احتمال در آیه وجود دارد:

۱. آیه ارتباطی با وعد ندارد.
 ۲. آیه در مورد خلف وعد است. آیه در مورد کسانی است که با پیامبر (ص) قول وفاداری می‌بستند، ولی بر سر پیمانشان نمی‌ایستادند.
 ۳. احتمال سوم این است که به اطلاق هر دو را می‌گیرد. تطبیق این آیه نیز تعبدی نیست که ما نیاز به روایت داشته باشیم. ولی روایت کمک می‌کند و موجب اطمینان خاطر می‌شود.
- این آیه دلالت بر حرمت خلف وعد دارد. یا می‌توانیم بگوییم وفای عهد، واجب است.

^۱سوره بقره، آیه ۴۴.



شماره ثبت: ۲۷۴۷

گروه پنجم آیات:

در اینجا دسته‌ای از آیات وجود دارند که با حکم عقل نیز ارتباط دارند. این آیات دارای مضامینی چون: «أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»^۱ «لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»^۲ هستند. این آیات بیان می‌کنند، خداوند خلف وعده نمی‌کند. این یک حکم عقل است. زیرا اگر خلف وعده از ناحیه‌ی خدا جایز باشد، اساس شرع عوض می‌شود. کل چیزی که در شرع آمده است یک عهد الهی و وعد خداوند است. گاهی این وعد به دلالت مطابقی تصریح می‌شود و می‌فرماید کسی که این کار را بکند، جریمه‌اش می‌کنیم.

وعد الهی یک قاعده عام است که در تمام اوامر و نواهی وجود دارد.

عقل می‌گوید، حفظ نظام شریعت و اعتماد بر آیات و روایات در زندگی، به درست بودن وعده‌های خداوند است. خداوند در وعده‌هایش تخلف نمی‌کند.

منظور آیات گروه پنجم، ارشاد به حکم عقل

ممکن است بگوییم که این وفای به وعد، فقط برای خداوند است و برای بشر نیست.

این احتمال را این‌گونه جواب می‌دهیم که اگر بخواهیم دلالت لفظی بکنیم، همین مطلب است. اما از همین جا به یک حکم عقلی منتقل می‌شویم. حکم عقلی باید باشد. عقل می‌گوید عمل به وعد لازم است و اگر خداوند عمل به وعد نکند، نظام شریعت به هم می‌ریزد. این آیات نیز ارشاد به همان حکم عقل دارند.

اقسام وعد

وعد دو قسم است:

۱. وعد ابتدایی. مثلاً من به شما ۱۰۰ هزار تومان می‌دهم.

۲. وعد در مقابل یک عمل. مثلاً در مقابل این کار به شما مقداری پول می‌دهم.

^۱سوره روم، آیه ۶۰

^۲سوره روم، آیه ۶



شماره ثبت: ۲۷۴۷

هر دو قسم شرط ابتدایی است. برای این که توضیح بیشتری بدهیم باید به قاعده‌ی فقهی رجوع کنیم. یک قاعده در فقه وجود دارد به نام «المؤمنون عند شروطهم». در آنجا گفته شده است که شرط دو نوع است:

۱. ابتدایی

۲. ضمن عقد

یک اختلاف بسیار مهم در بیع وجود دارد که این قاعده فقهی، فقط شروط ضمن عقد را می‌گیرد یا اینکه شروط ابتدایی را نیز می‌گیرد؟ نظر مشهور این است که شروط ابتدایی را شامل نمی‌شود.

اکنون با ملاحظه این مطلب باید بگوییم، وعد سه قسم است:

۱. وعد تعهدی است که به صورت شرط ضمن عقد لازم می‌دهد. این همان قاعده فقهی المؤمنون عند شروطهم است و واجب است.

۲. وعدی که در مقابل چیزی است. شرط است ولی ضمن عقد لازم نیست. مثل وعده‌هایی که خداوند به ما داده است.

۳. وعد ابتدایی بدون عوض است. هیچ کدام از این دو نوع قید را ندارد.